

A Comparison and Assessment of the Views of Contemporary Naqshbandīs and Chishtīs in Razavi Khorasan

Azim Hamzi'iyān*

Muhyi-l-Din Qanbari** Abd al-Rahim Ya'qubnia***

(Received on: 2017-06-10; Accepted on: 2019-08-28)

Abstract

Throughout Islamic territories, mysticism and Sufism have manifested in a variety of orders in accordance with demands of time, place, and characters. In southern parts of Razavi Khorasan, the Sufi heritage has been preserved in the form of two Sufi orders: Naqshbandiyya and Chishtiyya. The present research is done in order to learn more about the condition, masters, practices, and *dhikrs* of the two orders in the contemporary period in southern parts of Razavi Khorasan. The two orders are influenced by Dīvbandī doctrines in eastern Islamic world, and are strongly tied with the religion and Sharia. Masters of these Sufi orders try hard to preserve the Prophet Muhammad's tradition, and public appearances of their followers are in compliance with the tradition. Their major ritual practice consists in collective assemblies of *dhikr*. Moreover, theoretical aspects of the Naqshbandī order seem to be stronger than those of the Chishtī order.

Keywords: Naqshbandiyya, Chishtiyya, Southern Razavi Khorasan, Dīvbandiyya, Circle of *Dhikr*.

* Assistant professor, Department of Islamic Sufism and Mysticism, University of Semnan, Semnan, Iran (corresponding author), ahamzeian@semnan.ac.ir.

** Assistant professor, Department of Islamic Mysticism, Islamic Azad University of Nishabur, Nishabur, Iran, ghanbarim@iau-neyshabur.ac.ir.

*** PhD student, Islamic Sufism and Mysticism, University of Semnan, Semnan, Iran, yaghubniya@semnan.ac.ir.

مقایسه و ارزیابی آرای نقشبندیه و چشتیه معاصر خراسان رضوی

عظیم حمزئیان*

محمی الدین قنبری** عبدالرحیم یعقوبنیا***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۶]

چکیده

عرفان و تصوف بنا به مقتضیات زمانی و مکانی و شخصیتی در سراسر سرزمین‌های اسلامی خود را در قالب سلسله‌های گوناگون نشان داده است. خراسان رضوی از سرزمین‌هایی است که امروزه در بخش جنوبی آن نمونه‌ای از این میراث در جریان دو سلسله نقشبندیه و چشتیه حفظ شده است. پژوهش حاضر با هدف شناخت وضعیت، مشایخ، اعمال و اذکار این دو سلسله در دوره معاصر در جنوب خراسان رضوی انجام شده است. این دو سلسله از آموزه‌های دیوبندیه در شرق جهان اسلام متأثرند و پیوند محکمی با دین و شریعت دارند. مشایخ این سلسله‌ها تلاش بسیاری برای حفظ سنت نبوی دارند و مریدانشان با ظواهر متناسب با سنت در اجتماع حاضر می‌شوند. مهم‌ترین عمل عبادی و آیینی آنان برگزاری جلسات ذکر جمعی است و جنبه نظری نقشبندیه پررنگ‌تر از چشتیه به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: نقشبندیه، چشتیه، جنوب خراسان رضوی، دیوبندیه، حلقه ذکر.

* استادیار گروه تصوف و عرفان اسلامی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول).

ahamzeian@semnan.ac.ir

** استادیار گروه عرفان اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، نیشابور، ایران. ghanbarim@iau-neyshabur.ac.ir

*** دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. yaghubniya@semnan.ac.ir

پیش گفتار

خراسان بزرگ دیرزمانی شاهد شخصیت‌ها، جریان‌ها و مکتب‌های گوناگون عرفان و تصوف بوده است. از سده دهم به بعد، تحولات سیاسی و تاریخی این جنبه از میراث فرهنگی را به تدریج در خراسان ضعیف کرد؛ اما امروزه برخی سلسله‌های صوفیانه، از جمله نقشبندیه و چشتیه، با رویکردی متأثر از اندیشه دینی علمای دیوبند در میان اهل تسنن این منطقه فعالیت دارند. شیخ احمد سرهندی، معروف به مجدد الف ثانی (۹۷۱-۱۰۳۴ق) و شاه ولی‌الله دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ق) را از پیشگامان اصلی تلفیق طریقت نقشبندیه با آموزه‌ها و تعالیمی که رویکرد اصلی مدرسه دیوبند شد می‌دانند؛ مولوی محمد عمر سربازی (۱۳۸۵ش) اصلی‌ترین چهره در حلقه اتصال این سلسله و این اندیشه دینی در میان اهل سنت شرق ایران در دوره معاصر است. انجام پژوهش‌های میدانی و مشاهده گروه‌های دینی و تأثیری که آنان می‌توانند بر مناسبات فردی و اجتماعی و سیاسی جامعه بگذارند، جای خالی این نوع مطالعات را در پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهد و انتظار می‌رود در تعیین نسبت این گروه‌های مذهبی با سایر گروه‌های بنیادگرا و تندرو سودبخش باشد. پرسش اصلی این تحقیق ناظر به شناخت چستی و چگونگی وضعیت موجود سلسله‌های چشتیه و نقشبندیه در جنوب خراسان رضوی با توجه به معارف، مشایخ و مراسم آنها است. فرض حاضر نیز بر آن است که این دو طریقت آبخور فکری واحدی دارند؛ اما بیان تفاوت در روش و شکل رفتار طریقتی و امتداد زیست آنها در جغرافیای ایران می‌تواند شناختی دقیق‌تر از وضعیت بخشی از چشم‌انداز گروه‌های عرفانی حاضر در منطقه و همچنین مناسبات آنها با دیگر گروه‌های مذهبی به دست دهد.

در این زمینه علاوه بر کتبی که مشایخ یا مریدان سلسله‌ها نگاشته‌اند، نوشته‌هایی مرجع از نوع تذکره‌ها و زندگی‌نامه شخصیت‌های صوفیه نیز در دسترسند که *نفحات الانس* عبدالرحمن جامی (۸۹۸مق) یکی از آثار جامع آنها تا قرن دهم است. برخی پژوهش‌ها، همچون کتاب *جستجو در تصوف* از عبدالحسین زرین‌کوب، نیز فصل‌هایی

را به تصوف خراسان و مشایخ آن اختصاص داده‌اند. کتاب چشتیه در هند و پاکستان اثر غلام‌علی آریا نیز از آثار ارزشمند در این زمینه است که تاریخ و معارف و مشایخ سلسله چشتیه را در هند و پاکستان بررسی کرده است. کتاب‌های بیشتری نیز نقشبندیه و معارف و مشایخ آن را در سطحی گسترده و منطقه‌ای بررسی کرده‌اند؛ اما تاکنون پژوهشی نیافتیم که خاستگاه، معارف و مشایخ این دو سلسله را در خراسان رضوی در دوره معاصر بررسی کرده باشد. گردآوری اطلاعات به روش میدانی با تکیه بر منابع مکتوب و حضور در مجلس‌های ذکر و مراسم جمعی این دو سلسله، مصاحبه با مشایخ و مریدان آنها و استفاده از کتب خانقاهی بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ صورت گرفته است.^۱

۱. نقشبندیه در خراسان

بنا بر نظر بیشتر مورخان و عرفان‌پژوهان، خراسان قدیم جایگاه منحصر به فردی در تاریخ عرفان و تصوف دارد؛ چراکه «برخی از پایه‌گذاران واقعی مسلک تصوف اسلامی از آنجا برخاسته بودند و سهم خراسان در تصوف بیش از سایر مناطق اسلامی بوده است؛ حتی عده‌ای از بزرگان تصوف بغداد و مراکز دیگر هم زاده و پرورده سرزمین خراسان بودند» (کیانی، ۱۳۸۹: ۱۸۲). کثرت شمار زهاد و صوفیه می‌تواند علاوه بر تأیید این مدعا، ملاکی قابل استناد برای پژوهشگران باشد؛ بر اساس گزارش رساله قشیریه، از ۹۳ تن از مشایخ صوفی ذکرشده در این رساله ۷۷ تن، یعنی حدود ۸۰ درصد آنان، برخاسته از جغرافیای ایران و حدود ۵۵ درصد از ایرانیان نیز خراسانی‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۷۳).

«هرچند مغولان پیکره و نظام عرفانی خراسان را از هم جدا کردند، با آرامشی که در هرات دوره تیموری در قرن هشتم و نهم حاصل شد، دوباره این گلستان پسندهای عرفانی به رونق اولیه و شکوفایی بی‌نظیری رسید» (نصیری جامی، ۱۳۹۳: ۱۱۹). با واپسین آشفته‌گی تیموریان، شاه اسماعیل صفوی توانست با «توانایی شگفت‌انگیز و سرعت عمل بسیار، کشور آشفته را که عرصه کشاکش ترکمانان و تیموریان و ازبکان بود، در مدت

کوتاهی به زیر لوای یک دولت مرکزی درآورد که هم تمامیت فرهنگی خود را بازیافت و هم توانست با قدرت‌های خاور و باختر کشور آماده درآویختن باشد» (صفا، ۱۳۸۴: ۱۴). او «پس از تسلط بر کشور ایران و تسلط بر حکومت، ترویج مذهب شیعه را هدف حکومت خود اعلام کرد» (کیانی، ۱۳۸۹: ۲۶۰).

قبل از صفویه و در فاصله سال‌های زوال حکومت ایلخانی در ایران (۷۳۶ق) تا روی کار آمدن تیموریان (۷۸۳ق)، طریقت‌های گوناگونی، اعم از شیعه و سنی، در خراسان و ماوراءالنهر ظهور کردند؛ از جمله طریقت نقشبندیه منسوب به خواجه بهاءالدین محمد نقشبند بخارایی (م ۷۹۱ق) (قاضی، ۱۳۸۸: ۲۱). سلسله نقشبندیه در طول زمان‌های مختلف نام‌های گوناگونی به خود دیده است. این سلسله را «از عهد ابابکر تا بایزید، صدیقیه و از زمان بایزید به بعد، طیفوریه و از ایام خواجه عبدالخالق، خواجگان و از دوره بهاءالدین بخارایی، نقشبندی و در عصر شیخ احمد فاروقی سرهندی مجدد الف ثانی (۹۷۱-۱۰۳۲ق)، احراریه و در حیات مولانا خالد شهرزوری (۱۱۹۳-۱۲۴۲ق)، نقشبندیه مجددیه خالدیه نامند» (مدرسی چهاردهی، ۱۳۹۳: ۶۵). این طریقه «ابتدا در بین مردم عوام شهر و پاره‌ای از روستایان راه یافت؛ ولی در دوره‌های بعد طبقات بالاتر جامعه که امیران و ملاکان و روحانیان بودند، به جرگه صوفیان درآمدند و این در حالی بود که در ابتدای کار بیشتر صوفیان نقشبندی از بازاریان و پیشه‌وران بودند» (قاضی، ۱۳۸۶: ۴۳). این سلسله، مانند دیگر سلسله‌های طریقتی، در مدتی کوتاه غرق در کارهای دنیوی شد و نتوانست پایگاه خود را برای همیشه در خاستگاه خود، خراسان و ماوراءالنهر، حفظ کند؛ به همین جهت «سلسله نقشبندیه پس از سده هشتم، که تصوف صبغه شیعی و سنی پیدا کرد، از زمره سلسله‌های سنی به شمار می‌رفت و پس از تیموریان، طریقه مذکور نتوانست در ایران به حیات خودش ادامه دهد. از این رو عده‌ای از نقشبندیان به کشورهای عربی و عده‌ای دیگر به شبه‌قاره هند کوچ کردند و به آداب خانقاهی خود در آن کشورها ادامه دادند» (نظامی باخرزی، ۱۳۸۳: ۳۰۱). در سال‌های بعد به تدریج فعالیت مشایخ این سلسله‌ها در سرزمین‌های مرزی ایران و استان‌های سنی‌نشین، که امکان ادامه و استمرار برای فعالیت‌ها وجود داشت، بیشتر شد؛

از جمله منطقه جنوب خراسان رضوی که سلسله نقشبندیه توانست خود را در آنجا احیا کند.

۱-۱. مشایخ نقشبندیه جنوب خراسان رضوی در سده اخیر

پس از تقسیم استان خراسان بزرگ در سال ۱۳۸۳ به شمالی، رضوی و جنوبی، خراسان رضوی در مرکزیت این تقسیم قرار گرفت. در برخی از شهرستان‌های جنوبی و شرقی خراسان رضوی اکثر بافت جمعیتی اهل سنت حنفی است که زمینه‌ای برای ظهور و فعالیت سلسله‌های نقشبندیه و چشتیه در این منطقه شده‌اند.

پژوهشگر معاصر عرفان و تصوف، نورالدین مدرسی چهاردهی، در کتاب *سلسله‌های صوفیه ایران* از خلیفه فخرالدین نخل احمدی نام می‌برد که خلیفه سلسله نقشبندیه در تربت جام و اطراف آن و در گنبد کاووس و افغانستان بوده است (مدرسی چهاردهی، ۱۳۹۳: ۷۸). در گفت‌وگویی که در تربت جام داشتم، احمد نخل احمدی، فرزند ایشان، گفت که خلیفه فخرالدین نخل احمدی اجازه ارشاد خود را از خلیفه شرف‌الدین در هرات افغانستان دریافت کرده و این سلسله با چند واسطه به غلام علی شاه دهلوی (م ۱۲۴۰ق) می‌رسیده است. پس از وفات شیخ فخرالدین نخل احمدی، سلسله در او منقطع شد و خلافت بعد از وی به کسی واگذار نشد. فرزند او راه پدر را به صورت تأسیس مدرسه دینی «فخر المدارس» در شهر تربت جام ادامه داده است و اکنون در کارهای فرهنگی و اجتماعی شهر و منطقه حضوری فعال دارد.

عبدالرئوف مجیدی خلیفه دیگر سلسله نقشبندی است که در سالیان اخیر در منطقه تایباد به تربیت مریدان اشتغال داشته است. وی در سال ۱۳۰۲ شمسی در روستای حسینی زاده شد و علوم عرفانی را از پدرش، خلیفه عبدالحمید (م ۱۳۵۲ش)، فرا گرفت، سپس برای تکمیل علوم عرفانی خود دست بیعت به خلیفه شاه محمد معصوم، از خلفا و مسندنشینان و فرزندان شاه ولی‌الله خراسانی، داد (مجیدی، ۱۳۸۶: ۲). بنا بر مصاحبه انجام‌شده‌ام با فضل احمد مجیدی، فرزند ارشد ایشان، خلیفه مجیدی بعد از وفات مرشدش شاه محمد معصوم، با فرزند ایشان محمد قیوم، سپس با نوه ایشان،

مرحوم شمس الحق مجددی، بیعت کرده تا اینکه در سال ۱۳۹۰ شمسی به دار بقا رحلت کرد. مجیدی در روستای حسینی تایباد حلقه‌های ذکر و تربیت مریدان برگزار می‌کرد. از ایشان دو اثر مکتوب برجای مانده است؛ دیوان اشعار که حاوی غزلیات عارفانه است و به همت فرزندش، فضل احمد مجیدی، در سال ۱۳۸۴ چاپ شده است و *سیره‌العارفین* که مراحل چاپ را می‌گذراند. وی نیز به‌رغم اینکه از مشایخ نامی نقشبندیه جنوب خراسان بود، خلافت بعد از خود را به کسی واگذار نکرد.

سومین شخصیت سلسله نقشبندی در جنوب خراسان رضوی در سده معاصر قاضی جلال‌الدین فقهی سلجوقی است که در سال ۱۳۱۱ هجری قمری در جلگه موسی‌آباد از توابع تربت‌جام متولد شد. وی در شانزده سالگی برای فراگیری علوم به شهر هرات مهاجرت کرد و چهار سال در آنجا به تحصیل مشغول شد، سپس در بیست سالگی به روستای خود بازگشت؛ ولی شرایط نابسامان، وی را به سکنا گزیدن در قریه چاه‌آباد مجبور کرد. قاضی سلجوقی مکان جدید را برای تأسیس مدرسه علمیه مناسب دید و اولین گام فرهنگی را با تأسیس مدرسه و جذب طلبه و آموزش آنان برداشت. حسن معاشرت و خصال نیکوی اخلاقی وی باعث شد در ۲۵ سالگی، بنا به خواست مردم و معتمدان محل، برای منصب قضاوت انتخاب شد.

قاضی سلجوقی علوم رسمی و قیل و قال مدرسه را برای رسیدن به کمال کافی نمی‌دانست و معتقد بود پس از فراگیری علوم متداول، برای تزکیه نفس به علوم باطنی نیاز است؛ بنابراین باید در پی صادقان و صاحب‌دلان مخلص بود (فقهی سلجوقی، ۱۳۸۷: ۱۴). این احساس در نهایت وی را به وادی تصوف کشاند و باعث شد دست ارادت به حاجی محمد انور شاه پرچمنی، که مسندنشین پدر خود حاجی شاه ولی‌الله خراسانی در هرات افغانستان بود، بدهد و پس از طی مراحل سلوک، خلیفه او شود (مجددی، ۱۳۹۱: ۲۶۰). وی در نهایت در سال ۱۳۹۲ق/۱۳۵۲ش در ۸۲ سالگی در روستای چاه‌آباد، که در دوران حیاتش به دارالامان و بعد از مرگ ایشان به کلاته قاضی شهرت یافت، وفات کرد (فقهی سلجوقی، ۱۳۶۰: مقدمه).

۲-۱. نقشبندیه معاصر در جنوب خراسان رضوی

امروزه دو گروه مدعی سلسله نقشبندیه در جنوب خراسان رضوی هستند. شیخ گروه بزرگ‌تر مولوی شمس‌الحق فقهی است و گروه کوچکی که در کوه بزد و در مسجد نور (مکان چله‌نشینی ژنده پیل) حلقه‌های ذکر جمعی خود را برپا می‌دارند را غلام حیدر شیبانی اداره می‌کند.

الف) حلقه مولوی شمس‌الحق فقهی

مولوی شمس‌الحق فقهی، معروف به مولانا شمس‌الحق، نوه حاجی قاضی جلال‌الدین فقهی سلجوقی است. وی تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه علمیه «کوه ون» بلوچستان و در محضر مولوی محمد عمر سربازی، برجسته‌ترین صوفی نقشبندیه معاصر در شرق ایران، گذراند. بعد از رحلت شیخ در سال ۱۳۸۵ شمسی، مولوی شمس‌الحق دست بیعت به خلیفه ارشد ایشان، مولوی عبیدالله افروخته، داد تا اینکه مراحل سلوک را با تلاش و لطف خداوند به پایان رساند و در سال ۱۳۹۰ با کسب خلافت از جانب ایشان، مأمور احیای این طریقه در جنوب خراسان رضوی شد. عالم دین بودن خلیفه فقهی را از هجمه انتقادات صوفی‌ستیزان حفظ کرده است؛ اما هنوز در برخی شهرهای سنی‌نشین موفقیتی در برپا داشتن حلقه‌های ذکر و اصلاح نداشته است. وی تا مهرماه سال ۱۳۹۵ در شهر صالح‌آباد از توابع شهرستان تربت‌جام سکونت داشت و حلقه‌های ذکر را در شهرهای تایباد و تربت‌جام به صورت ماهانه و در شهر صالح‌آباد به صورت هفتگی برگزار می‌کرد. این جلسه‌ها در شهر تایباد در مسجد خلیل‌الرحمان در اولین پنج‌شنبه هر ماه شمسی، در شهر تربت‌جام در مسجد خواجه عزیزالله در اولین جمعه هر ماه شمسی و در شهر صالح‌آباد در مسجد محمد رسول‌الله هر هفته بعد از نماز عصر روز جمعه برگزار می‌شد؛ اما از مهرماه سال ۱۳۹۵ استقبال و درخواست‌های مریدان و ارادتمندان باعث شد او شهر تایباد را برای سکونت برگزیند و شب‌های جمعه ذکر را در مسجد خلیل‌الرحمان برگزار کند. زمان برپاداری این حلقه‌ها با توجه به فصول سال و طول مدت شب و روز تغییر می‌کند؛ حلقه‌ها در فصل زمستان،

که شب‌ها طولانی‌تر است، بعد از نماز عشا و در فصل تابستان بعد از نماز مغرب یا عصر برپا می‌شوند.

ب) حلقه غلام حیدر شیبانی در کوه بزد

حلقه غلام حیدر شیبانی^۲ گروهی کوچک است که خلوت کوه بزد، در ۲۵ کیلومتری شهر تربت جام، را برای مراسم ذکر خود برگزیده است. افراد این گروه، که خود را نقشبندی می‌دانند، در شب‌های جمعه در مسجدی که مکان چله‌نشینی و خلوت‌های طولانی ژنده‌پیل (م ۵۳۶ق) بوده است مراسم خود را برگزار می‌کنند. سرذاکر این گروه، غلام حیدر شیبانی، نظامی بازنشسته‌ای است که به گفته خود، برای حصول نتیجه در سلوک دست بیعت به مشایخی همچون سید طاها هاشمی در ارومیه، پیر قاسم شاه در زاهدان، حاج عباس رضایی (مرشد و خلیفه قادریه) و مولانا سید سلطان از افغانستان داده است. اگرچه عوض کردن مرشد و پیر، با اجازه پیر قبلی در صورت نرسیدن به مطلوب، از مواردی است که شاه نقشبند (م ۷۹۱ق) آن را مجاز و طبق تشخیص مرید دانسته است، بر خلاف باور سایر نقشبندیان جنوب خراسان رضوی است؛ چراکه از دیدگاه آنان، در صورتی می‌توان مشایخ بیعت را رها کرد که کامل و مکمل نبودن شیخ محرز شود، در غیر این صورت نشانه وسوسه و تصرف شیطان در مرید است (فقهی نقشبندی، ۱۳۹۵: ۵۵۰).

بر مبنای مشاهدات نگارنده، جلسه ذکر این گروه به این صورت است که ذکر درود شریف (اللهم صل علی سیدنا محمد و آل و اصحاب سیدنا محمد) حدود ۴۰ دقیقه به حالت جهر و نشسته دو زانو همخوانی می‌شود و در نهایت جلسه با دعا و ایصال ثواب برای انبیا، ائمه، اولیا و مشایخ و درگذشتگان پایان می‌پذیرد. حلقه این گروه دو تفاوت عمده با حلقه دیگر نقشبندیان منطقه دارد: ۱. لفظ ذکر: نقشبندیه (مولوی فقهی) با ذکر ذات (لفظ جلاله الله) شروع می‌کنند و بنا را بر تحلی می‌گذارند؛ یعنی ابتدا ذکر می‌گویند و بر این باورند که تکرار ذکر علاوه بر از بین بردن رذایل نفسانی، رسیدن به مقصد را آسان‌تر می‌کند؛ ۲. خفی و جهری بودن ذکر: نقشبندیه متمایل به ذکر خفی

هستند. خواجه (بهاء‌الدین نقشبند) از سید امیر کلال به طریق نفی و اثبات و ذکر خفی تلقین یافته است (سیدین، ۱۳۸۹: ۳۳۴)؛ اما این گروه از ذکر جهر متوسط به حالت نشسته بهره می‌برند که در واقع جواز آن را برخی از علمای احناف داده‌اند (نقشبندی مجددی، ۱۳۸۶: ۱۳۱).

میریدان و شرکت‌کنندگان با لباس رسمی در مراسم حلقه ذکر حضور پیدا می‌کنند و به لحاظ ظاهری تقیدی مانند آنچه در سایر حلقه‌های نقشبندیه مشاهده می‌شود ندارند؛ محاسن و شوارب کوتاه دارند. از همه گروه‌های سنی در بین آنان مشاهده می‌شود. حضور در نیمه‌های شب در خلوت کوه و توسل به صاحب‌دلان و روحانیت مشایخ گذشته صفا و معنویت خاصی به این گروه می‌دهد که باعث ماندگاری آن شده است.

۳-۱. کیفیت ذکر در نقشبندیه جنوب خراسان

در مجالس ذکر سلسله نقشبندیه میریدان، طبق موعد مقرر، در مسجد تعیین شده جمع می‌شوند و به دور شیخ حلقه می‌زنند؛ در برخی موارد جایگاهی خاص و بالاتر از بقیه برای شیخ آماده می‌سازند. او ابتدا میریدان را ارشاد می‌کند، سپس میریدان به نوبت و با ادب خاص جلو وی می‌نشینند و سؤال‌های شخصی‌شان را می‌پرسند؛ او نیز بر حسب احوال هر یک از میریدان، او را راهنمایی می‌کند. بعد از این مرحله، کسانی که می‌خواهند وارد این طریقت شوند برای بیعت در جلو شیخ زانو می‌زنند و شیخ بعد از تلقین کلمه شهادتین و توبه از گناهان گذشته و اتباع سنت نبوی، میریدان را در طریقه نقشبندیه به صورت سلوک و در سه طریقه دیگر به صورت تبرک بیعت می‌دهد. بیعت نیز به این صورت است که اگر بیعت‌کنندگان کم باشند، دست در دست خلیفه می‌نهند و شیخ با گذاشتن انگشت خود بر محل اولین لطیفه در بدن میرید، (دو انگشت زیر پستان چپ) که لطیفه قلب است، به او تلقین ذکر می‌کند؛ اما اگر بیعت‌کنندگان زیاد باشند، شالی را پهن می‌کنند و همه دست‌ها را بر شال می‌نهند و تلقین ذکر می‌یابند. بعد از بیعت، کسانی که قبلاً بیعت کرده‌اند برای عوض کردن سَبَق (لطایف، نفی و اثبات یا مراقبات) خدمت شیخ می‌رسند و شیخ بر اساس احوالات میرید و فراست کشفی خود،

او را ارشاد و دستگیری می‌کند. سپس ذکر شروع می‌شود؛ هر یک از مریدان با قرار گرفتن در حالت دو زانو و در حالی که سر را پایین می‌اندازند شروع به ذکر قلبی و خفی می‌کنند. شیوه ذکر به این صورت است که مرید باید وضو بسازد، در صورت امکان شالی بر سر خود بیندازد، زبان خود را به کام بچسباند و تکان ندهد، نفس را با بینی به داخل سینه بکشد و حبس کند و با تفکر و خیال «نقش «الله» را بر لطیفه مورد نظر ضرب کند. مرید می‌تواند «الله» اول را ساکن یا با ضمه ادا کند و وقتی نفسش تنگ شد، آن را رها سازد (فقهی نقشبندی، ۱۳۹۵: ۴۷۲).

از میان چهار سلسله قادریه، سهروردیه، چشتیه و نقشبندیه، فقط پیروان طریقه نقشبندیه با استناد به آیات قرآن و احادیث پیامبر و آرای فقها، ذکر خفی را بر ذکر جهری ارجح می‌دانند (همان: ۴۳۷)؛ هرچند ذکر جهر متوسط را نیز جایز می‌دانند. در حالت ذکر و مراقبه، مرشد در مقام مجرای هدایت فیوضات الهی به قلب‌های مریدان است و با این تصور که تمام قلب‌های مریدان را در داخل ظرفی در مقابلش دارد، فیوضاتی که از عالم بالا بر قلبش وارد می‌شود را به صورت تصورات، به این ظرف هدایت می‌کند. در حین ذکر برای جذب و سرور قلبی مریدان، گاهی یکی از مریدان نعت یا غزلی را با صدای زیبا می‌خواند. آنچه ذکر شد مشاهدات حضوری نگارنده از مجلسی بود که سوم اردیبهشت ۱۳۹۳ در مسجد بیت الرحمان تایباد برگزار و در نهایت با دعا ختم شد.

صوفیان امروزی نقشبندیه لباس مخصوصی ندارند؛ ولی سعی می‌کنند با لباس سفید محلی و عمامه سفید — گاهی عمامه به رنگ مشکی است — و با بویی خوش در حلقه‌های ذکر شرکت کنند. از آداب مرید این است که هر گاه تصمیم می‌گیرد به دیدار شیخ خود برود، در حد توان هدیه‌ای برای او تدارک می‌بیند؛ هرچند ضرورتی در این کار نیست. همچنین در تصمیم‌های اساسی زندگی، مانند ازدواج و نام‌گذاری فرزندان، از شیخ مشورت می‌گیرد. اینان همیشه نام مشایخ را با احترام خاصی می‌برند و سعی می‌کنند به حفظ ظاهر — از جمله محاسن بلند، کوتاه کردن شوارب و روی گونه‌ها و آنچه آن را سنت نبوی می‌دانند — پایبند باشند. مریدان نقشبندیه حاضر در مجالس ذکر

بین ۱۵ تا ۵۰ سال سن دارند و سطح تحصیلاتشان از بی‌سواد تا تحصیلات عالی، از جمله وکیل و پزشک و معلم، است.

۲. چشتیه در خراسان

چشت از روستاهای خراسان قدیم در نزدیکی هرات است. ابواسحاق شامی برای ارشاد مردم چشت با اجازه پیر خود از بغداد به چشت رفت. خواجه ابواحمد ابدال چشتی با او مصاحبت داشت که پس از مرگ خواجه، ابواسحاق جانشین او شد و بعد از او به ترتیب، خواجه ابومحمد چشتی (م ۴۱۱ق)، خواجه ابویوسف بن سمعان (م ۴۵۹ق)، خواجه قطب‌الدین مودود چشتی (م ۵۲۷ق)، حاجی شریف زندنی (م ۶۱۲ق)، خواجه احمد بن مودود (م ۵۷۷ق) و خواجه عثمان هارونی (م ۶۱۷ق) در چشت و دیگر نواحی خراسان بر مسند خلافت نشستند. در قرن ششم کم‌کم این سلسله در خراسان رو به افول نهاد و به نواحی هند منتقل شد.

چشتیه از سلسله‌های صوفیه پرجمعیت در شبه‌قاره است. بنیان‌گذار سلسله چشتیه در هند خواجه معین‌الدین چشتی است. معین بعد از سفرهای طولانی، در سال ۵۶۱ قمری سرانجام به اجمیر رفت؛ هرچند جانشینان و خلفای معین‌الدین در دیگر شهرها هم سلسله را ترویج کردند (آریا، ۱۳۹۳: ۸۳۰/۱۱، ۸۳۱ ذیل چشتیه). برخی از شخصیت‌های بزرگ چشتیه خراسانی بوده‌اند؛ از جمله سه شخصیت که نامشان در کتاب‌های معتبر عرفانی آمده: استاد مردان، شاه سنجان و خواجه عثمان هارونی. جامی در *نفحات الانس* از «استاد مردان» نام می‌برد که از قصبه سنجان (سنگان) خوف و مرید خواجه محمد بن ابی‌احمد چشتی (م ۴۱۱ق) بوده و در بیان احوالاتش می‌نویسد که از سنجان چشت را مشاهده می‌کرده است (جامی، ۱۳۷۰: ۳۳۰).

دومین شخصیت، شاه سنجان خوفی است. جامی در *نفحات الانس* نامی از او نمی‌برد؛ ولی داراشکوه او را مرید خواجه مودود چشتی می‌داند و در ادب او ذکر می‌کند که در مدتی که در چشت بود، نقص طهارت در آنجا نکرد و برای این کار از چشت خارج می‌شد؛ وی سال وفات شاه سنجان را ۵۹۷ قمری دانسته است (داراشکوه،

بی‌تا: ۹۱). مقبره او اکنون در روستایی به نام سنگان در شهرستان رشتخوار در فاصله ۲۵ کیلومتری شهر تربت حیدریه به شهر خواف است. همچنین مقبره‌ای نیز در شهر سنگان خواف منسوب به او است.

سومین شخصیت بزرگ چشتی خراسان قدیم، خواجه عثمان هارونی، مرید حاجی شریف زندنی (م ۶۱۲ق) و مرشد و مراد معین‌الدین اجمیری، است. او از شخصیت‌های سرشناس خراسانی چشتی در دوره قبل از ورود این سلسله به هند بوده است (داراشکوه، بی‌تا: ۹۱)؛ هر چند از او نیز نامی در *نصحات الانس* نیامده است.

با مهاجرت مشایخ چشتیه به هندوستان، به تدریج مریدان و مشایخ این طریقه در حدود خراسان کم شدند. با این حال، در نخستین دهه‌های قرن چهاردهم هجری قمری از شخصیت شیعه مذهبی به نام حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی (م ۱۳۶۱ق) در مشهد یاد شده که مرید حاج محمد صادق اصفهانی و او نیز مرید رستم خان بختیاری بوده است. وی شب‌های پنج‌شنبه در منزل خود روضه برپا می‌کرده، به فقرای خاکسار خوشبین بوده و از خلط با افراد سلسله طاووسیه (گنابادی) اجتناب می‌کرده است. از چگونگی پیوستگی او به اقطاب صوفیه چشتیه اطلاعی در دست نیست (مدرسی چهاردهی، ۱۳۹۳: ۱۸۲).

۱-۲. طریقت‌های چشتیه در جنوب خراسان رضوی معاصر

گروهی که امروزه با نام چشتیه در جنوب خراسان رضوی فعالیت دارند، از شاخه‌های چشتیه امدادیه منسوب به حاجی امدادالله مهاجر مکی هستند. این سلسله را سالیان گذشته طالبان علوم دینی که برای تحصیل به پاکستان رفته بودند، در این منطقه احیا کردند. به همین علت متأثر از گرایش فکری علمای دیوبند هستند؛ جریانی که بعد از جنگ ۱۸۶۷م با هدف نجات اسلام در هندوستان با تأسیس مدرسه دیوبند شکل گرفت. دلیل اصلی که می‌توان بر تأثیر این اندیشه دینی بر سلسله چشتیه ذکر کرد، استفاده نکردن چشتیه معاصر از آلات موسیقی و ساز و سماع در مراسم ذکر است؛ البته در برخی شاخه‌های چشتیه که متأثر از این گرایش فکری نیستند و در افغانستان و

سایر سرزمین‌های اسلامی حضور دارند، مراسم ذکر غالباً با ابزار و آلات موسیقی برگزار می‌شود (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۸۴).

معروف‌ترین شیخ و خلیفه چشتیه در منطقه جنوب خراسان رضوی مولوی عبدالناصر شیرینکام است. بر اساس گفت‌وگویی با ایشان، وی در سال ۱۳۴۰ شمسی در روستای نشتیغان خواف متولد شد و در سال‌های میانی دهه ۶۰ شمسی برای تکمیل تحصیلات به کشور پاکستان و مدرسه فاروقیه شهر کراچی رفت. در کراچی با مدرسه و خانقاه امدادیه اشرفیه (اشرف المدارس) آشنا شد؛ شیخ آن مولوی حکیم اختر بود که طریقه‌اش با چند واسطه به حاجی امداد الله مهاجر مکی می‌رسد. مولوی شیرینکام در طی تحصیل، شب‌های جمعه و ایام تعطیل را در خانقاه اشرفیه به سر می‌برد. وی بعد از اتمام درس دینی در سال ۱۴۱۳ قمری، برابر با ۱۳۷۲ شمسی، یک سال را برای اصلاح و تزکیه در خدمت مستقیم شیخ حکیم اختر گذراند و مقام خلافت را از ایشان دریافت کرد. این بیعت که تا رحلت مولانا حکیم اختر در سال ۱۳۹۲ شمسی استوار بود، بعد از وی با فرزند و خلیفه ایشان، مولانا محمد مظهر، ادامه یافت.

مولوی شیرینکام در سال ۱۳۷۳ وارد شهر تایباد شد و چون از جانب مرشد خود وظیفه و مأموریت اصلاح و ارشاد را بر عهده داشت، جلسات اصلاحی را در مسجد حضرت بلال در همان سال شروع کرد. در سال ۱۳۷۹ شمسی به روستای مشهدریزه در حوالی شهر تایباد نقل مکان کرد و عهده‌دار امامت مسجد حضرت علی (ع) آنجا شد؛ وی جلسه‌های ذکر و اصلاح خود را در مکان جدید نیز پی گرفت.

در مصاحبه‌هایی در تاریخ ۳ بهمن ۱۳۹۴ و ۵ فروردین ۱۳۹۵ با مولوی شیرینکام، ایشان معارف این سلسله را این گونه بیان کرد: در این سلسله اصل بر تزکیه و اصلاح مریدان با تقدم تخلی (خالی شدن) بر تحلی (آراستن) است. در این سلسله پنج اصل اساسی، که به آن نسخه ولایت می‌گویند، را برای همه مریدان لازم می‌دانند و تأکید بلیغی بر رعایت آنها دارند: تقوا و پرهیز از گناهان، دوری از سبب و اسباب گناهان، اتباع سنت رسول الله (ص)، مداومت در ذکر الله و صحبت و همنشینی با اهل الله.

مشایخ این طریقه ذکر را وسیله‌ای برای هدف، یعنی رسیدن به تقوا و پاکی، می‌دانند و آن را برای مرید به تمرین‌های سخت ورزشکاری تشبیه می‌کنند که برای کسب نتیجه در مسابقه نهایی به آن نیاز دارد. تأکید بر اصل اتباع سنت رسول‌الله(ص) باعث شده که لباس سفید، محاسن بلند و شوارب کوتاه از ویژگی‌های عمده ظاهری آنان باشد و پوشیدن رنگ زرد و قرمز را برای مردان ممنوع بدانند. ورود برای خانم‌ها در این طریقه آزاد است، با این حال کیفیت بیعت، مانند سایر طریقت‌ها، از پشت پرده و با پارچه یا طنابی صورت می‌گیرد که یک طرف آن در دست شیخ و یک طرف دیگر در دست مرید است. در هنگام برپاداری حلقه ذکر نیز زنان جدای از مردان و به صورت خفی ذکر می‌گویند.

جلسات ذکر و اعتکاف این سلسله در دو نقطه در شهر تایباد و حومه برگزار می‌شود. حلقه اول در مسجد حضرت علی (ع) در روستای مشهدریزه، در ۲۵ کیلومتری شمال غربی شهر تایباد، است که امامت آن را مولوی شیرینکام بر عهده دارد. این حلقه در روزهای پنج‌شنبه هر هفته بعد از نماز عصر برگزار می‌شود و مریدان آن ۲۵ تا ۳۰ نفر از اهالی روستای مشهدریزه و روستاهای اطراف هستند. حلقه دوم که بزرگ‌تر از حلقه اول است، در گذشته در یکی از مساجد شهر تایباد برگزار می‌شد. از اواخر ۱۳۹۴ این اجتماع و مراسم بعد از نماز عشاء شب‌های جمعه، با حضور شیخ در مکانی به نام «دار الارشاد» یا خانقاه برگزار می‌شود.

۲-۲. کیفیت ذکر در چشتیه جنوب خراسان

اذکار در طریقت چشتیه به دو صورت فردی و گروهی است. ذکر انفرادی را هر شخص از شیخ دریافت می‌کند و نصاب آن به استطاعت و توان و جایگاه هر ذاکر متفاوت است. کیفیت و روش ذکر گروهی در شاخه‌های گوناگون چشتیه متفاوت است؛ در برخی شاخه‌ها، همچون چشتیه معروف به صاحبان در سراوان بلوچستان ایران، غالباً با موسیقی همراه است (ریگی، ۱۳۹۳: ۱۰۴).

ذکر جمعی در مسجد یا خانقاه برگزار می‌شود. به این صورت که بعد از نماز عشا مریدان به همراه شیخ دایره وار می‌نشینند. تا جمع شدن همه، شیخ از مریدان می‌خواهد ذکر فردی، که غالباً استغفار یا درود شریف است، را به صورت خفی و شخصی تکرار کنند. مریدان نیز اذکار «استغفر الله تعالی من کل ذنب و أتوب إليه» یا «اللهم صل علی محمد و آل محمد» را در دل به صورت خفی تکرار می‌کنند. وقتی همه مریدان جمع شدند، ذکر جمعی با لفظ «لا إله إلا الله» به صورت نیمه جهری شروع می‌شود، به این صورت که لفظ «لا إله» با تمایل شانه به راست و با این تصور که غیر الله از قلب بیرون شود ادا می‌شود و «إلا الله» با تمایل شانه به چپ با این تصور که محبت الله در قلب وارد شود. بعد از چند مرتبه که ذاکران «لا إله إلا الله» را ادا می‌کنند، شیخ یک بار لفظ «محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» را بر زبان می‌آورد. این ذکر حدود دویست مرتبه تکرار می‌شود؛ هرچند نصابی برای آن تعیین نشده و می‌تواند کمتر یا بیشتر شود، سپس ذکر ذات «الله» شروع می‌شود. در مرتبه اول واجب است که به همراه ذکر الله لفظ «جل جلاله» بیان شود، ولی در دفعات بعد فقط الله ذکر می‌شود. این ذکر بیشتر از ذکر نفی و اثبات تکرار می‌شود. ذکر جمعی تقریباً یک ساعت طول می‌کشد و گاهی لابه‌لای اذکار، اشعاری در محبت خدا و رسول (ص) خوانده می‌شود. سپس شیخ و مریدان دقایقی را با نصب‌العین قرار دادن آیه‌های «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي» (علق: ۱۴) و «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ» (حدید: ۴) و حاضر و ناظر دانستن خداوند در تصور خود به مراقبه می‌نشینند. جلسه ذکر با دعا خاتمه می‌یابد.

بعد از جلسه، شیخ مریدان را تعلیم می‌دهد و ارشاد می‌کند، سپس هر یک از مریدان که تمایل داشته باشد، می‌تواند شب را در کنار شیخ و در خانقاه با انجام اعمال و عبادات شخصی به صبح برساند. نماز صبح که خوانده شد، مریدان تا نماز اشراق به تلاوت قرآن و اورداد و اذکار شخصی مشغول می‌شوند. بعد از نماز اشراق، شیخ دقایقی را به تعلیم و ارشاد مریدان می‌گذراند و جلسه تمام می‌شود. جمعیتی که در این مراسم در خانقاه حضور دارند، بین ۶۰ تا ۷۰ نفر و بیشتر از جوانان بین سنین ۲۰ تا ۴۰

نتیجه

دو طریقت چشتیه و نقشبندیه از طریقت‌های صوفیه اهل سنت هستند که با زعامت علمای دینی در پیوند با آموزه‌های دیوبندی در جنوب خراسان، با تفاوت‌هایی در آموزه‌ها و رفتارها، احیا شده‌اند و در چارچوب شریعت و به دور از درگیری و حاشیه‌های سیاسی و مذهبی به حیات خود ادامه می‌دهند. خط مشی فکری و عملی پیروان سلسله‌های نقشبندیه و چشتیه معاصر در جنوب خراسان رضوی تحت تأثیر اندیشه دینی و شیوه عملی علمای دیوبند است که با هدف اولیه نجات مسلمانی در هندوستان با تأسیس دارالعلوم دیوبند در سال ۱۸۶۷م شکل گرفت. بانیان این طرز فکر، برخلاف برخی گرایش‌های فکری معاصر خود مانند سلفیه، مدعی روش اعتدالی در اعمال و اعتقادات خود با میدان دادن به تصوف منطبق با سنت رسول‌الله (ص) هستند و با این نگاه توانسته‌اند برخی سلسله‌های صوفیه که به زعم ایشان در طی قرون به خرافات و زوایدی آلوده شده بودند و نیاز جدی به پالایش داشتند را در خود جذب و نسخه جدیدی از آن با حذف زواید عرضه کنند.

مهم‌ترین عمل آنان برپایی حلقه‌های ذکر جمعی است که به نوعی تلاش برای اثبات و حفظ روحیه نشاط در مریدان است. این فعالیت در مساجد و خانقاه‌ها و گاه در خلوت‌گاه‌هایی مانند کوه بزد برگزار می‌شود.

در سلسله چشتیه بنا بر تخلی است؛ از این رو با ذکر نفی و اثبات (لا اله الا الله) و نفی غیر الله شروع می‌کنند. بنا را بر اصلاح و تزکیه گذاشتن باعث شده است اصل امر به معروف و نهی از منکر در بین آنان اهمیت یابد و تلاششان برای تبلیغ و تبیین اوامر و نواهی شرعی، در برخی موارد از آنان سخنوران و خطیبانی توانا ساخته که دغدغه‌های دینی خود را به صورت سخنرانی در مجالس همگانی یا نشست‌های فرهنگی، همچون شرح مثنوی، نشان می‌دهند.

نقشبندیان مدعی سهل‌ترین مسیر طریقتی در میان سایر سلسله‌ها هستند؛ اما به سبب پیوندی که این سلسله با عرفان نظری دارد، درک مسیر سلوک پیچیده فلسفی متشکل از

لطایف و مراقبات، که بزرگان این سلسله ترسیم می‌کنند، برای فرد مبتدی مشکل می‌نماید، در حالی که در سلسله چشتیه چنین دشواری‌هایی مطرح نیست.

پی‌نوشت‌ها

۱. نسخه صوتی مصاحبه‌ها و مستندات دیگر نزد نویسنده اصلی این جستار موجود است.
۲. شایان ذکر است که آقای غلام حیدر شیبانی در فاصله پذیرش تا چاپ این مقاله، در زمستان سال ۱۳۹۷ وفات یافت و با فوت ایشان، گروه انسجام خود را از دست داد.

منابع

- آریا، غلامعلی (۱۳۹۳)، «چشتیه»، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: انتشارات بنیاد دایرةالمعارف‌های اسلامی، ج ۱۱، ص ۸۳۰-۸۳۱.
- جامی، عبدالرحمان (۱۳۷۰)، *نفحات الانس من حضرات القدس*، به کوشش محمود عابدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- حسینی، یحیی (۱۳۸۴)، «تصوف در افغانستان»، *طلوع*، سال چهارم، زمستان، شماره ۱۶، ص ۱۷۵-۱۸۶.
- داراشکوه، محمد (بی‌تا)، *سقیة الاولیاء*، پیشاور: چاپ سنگی.
- ریگی، محمد ایوب (۱۳۹۴)، بررسی مشرب‌های عرفانی در بلوچستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- سیدین، علی (۱۳۸۹)، *پشمینه پوشان*، تهران: نشر نی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶)، *قلندریه در تاریخ*، تهران: نشر سخن.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۴)، *تاریخ ادبیات ایران*، جلد چهارم، تهران: انتشارات فردوس.
- فقهی سلجوقی، جلال‌الدین (۱۳۸۷)، *زنبیل جلالی*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- فقهی سلجوقی، جلال‌الدین (۱۳۶۰)، *منظومه جلالی*، مشهد: انتشارات کوشش.
- فقهی نقشبندی مجددی، شمس الحق (۱۳۹۵)، *جام شریعت و سندان عشق*، تربت جام: انتشارات امام محمد غزالی.
- کیانی، محسن (۱۳۸۹)، *تاریخ خانقاه در ایران*، تهران: نشر طهوری.

- مجددی، محمد عارف (۱۳۹۱)، *گلزار اولیاء*، تربت جام: انتشارات خواجه عبدالله انصاری.
- مجیدی، عبدالرئوف (۱۳۸۶)، *دیوان شایقی*، به کوشش فضل احمد مجیدی، تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
- مدرسی چهاردهی، نورالدین (۱۳۹۳)، *سلسله‌های صوفیه ایران*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نصیری جامی، حسن (۱۳۹۳)، *مکتب هرات و شعر فارسی*، تهران: انتشارات مولی.
- نظامی باخرزی، عبدالواسع (۱۳۸۳)، *مقامات جامی*، به کوشش نجیب مایل هروی، تهران: نشر نی.
- نقشبندی مجددی، غوث محمد (۱۳۸۶)، *طریقه الراشدین و حجة المسترشدین*، ترجمه عبدالله نقشبندی مجددی، تربت جام: انتشارات خواجه عبدالله انصاری.
- یعقوب‌نیا، عبدالرحیم، مصاحبه با احمد نخل احمدی فرزند خلیفه نخل احمدی، ۱۳۹۵/۱/۸، تربت جام.
- یعقوب‌نیا، عبدالرحیم، مصاحبه با فضل احمد مجیدی، فرزند خلیفه مجیدی، ۱۳۹۵/۱/۲۵، تایباد.
- یعقوب‌نیا، عبدالرحیم، گزارش جلسه ذکر مسجد نور کوه بزد، ۱۳۹۵/۱/۵، تربت جام.
- یعقوب‌نیا، عبدالرحیم، گزارش حلقه ذکر نقشبندیه مسجد بیت الرحمان، ۹۴/۹/۲۵، ۱۳۹۳/۲/۳، ۳/۲۵، ۱۳۹۳، تایباد.
- یعقوب‌نیا، عبدالرحیم، گزارش خانقاه دارالافتاء و الارشاد چشتیه، ۱۳۹۴/۱۱/۳، تایباد.
- یعقوب‌نیا، عبدالرحیم، مصاحبه با مولوی شیرینکام، ۱۳۹۶/۵/۲۰، ۱۳۹۵/۱/۵، ۱۳۹۴/۱۱/۴، مشهدریزه تایباد.
- یعقوب‌نیا، عبدالرحیم، مصاحبه با آقای شیبانی سرداگر نقشبندیه کوه بزد، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰، تربت جام.

References

- Ariya, Ghulam 'Ali. 2014. "Chishtiyih" (Chishti Order). *Danishnami-yi Jahan-i Islam* (Encyclopedia Islamica). Tehran: Publications of the Encyclopedia Islamica Foundation. Vol. 11, 830-31. [In Persian]
- Jami, 'Abd al-Rahman. 1991. *Nafahat al-Uns min Hadarat al-Quds* (Breezes of Intimacy from the Sacred Realms). Edited by Mahmud 'Abidi. Tehran: Ittili'at Publications. [In Persian]
- Husayni, Yahya. 2005. "Tasawwuf dar Afghanistan" (Sufism in Afghanistan). *Tulu'* 4, 16 (Winter): 175-186. [In Persian]
- Darashukuh, Muhammad. n.d. *Safinat al-Awliya'* (The Ark of the Saints). Peshawar: lithographical print. [In Persian]
- Rigi, Muhammad Ayyub. 2015. *Barrasi-yi Mashrab-hayi 'Irfani dar Baluchestan* (Consideration of Mystical Tendencies in Baluchestan). Masters dissertation, University of Sistan and Baluchestan. [In Persian]
- Sayyidin, 'Ali. 2010. *Pashminih-Pushan* (The Pashmina-Wearing). Tehran: Ney Publication. [In Persian]
- Shafi'i Kadikani, Muhammad Riza. 2007. *Qalandariyya dar Tarikh* (Qalandariyya in History). Tehran: Sukhan Publication. [In Persian]
- Safa, Zabih Allah. 2005. *Tarikh-i Adabiyat-i Iran* (History of Iranian Literature). Vol. 4. Tehran: Firdows Publications. [In Persian]
- Fiqhi Saljuqi, Jalal al-Din. 2008. *Zanbil-i Jalali* (Jalal's Basketry). Mashhad: Publications of Ferdowsi University. [In Persian]
- Fiqhi Saljuqi, Jalal al-Din. 1981. *Mazumi-yi Jalali* (Jalal's Poems). Mashhad: Kushish Publications. [In Persian]
- Fiqhi Naqshbandi Mujaddidi, Shams al-Haqq. 2016. *Jam-i Shari'at va Sindan-i Ishq* (The Grail of Shari'a and the Anvil of Love). Torbat-e Jam: Imam Muhammad Ghazali Publications. [In Persian]
- Kiyani, Muhsin. 2010. *Tarikh-i Khanqah dar Iran* (History of Khanqah in Iran). Tehran: Tahuri Publication. [In Persian]
- Mujaddidi, Muhammad 'Arif. 2012. *Gulzar-i Awliya'* (The Rosay of the Saints). Torbat-e Jam: Khwaja 'Abd Allah Ansari Publications. [In Persian]
- Majidi, 'Abd al-Ra'uf. 2007. *Divan-i Sha'iq* (Collected Poems of the Passionate). Edited by Fazl Ahmad Majidi. Torbat-e Jam: Shaykh al-Islam Ahmad Jam Publications. [In Persian]

- Mudarrisi Chahardihi, Nur al-Din. 2014. *Silsili-hayi Sufiyyi-yi Iran* (Sufi Orders of Iran). Tehran: 'Ilmi va Farhangi Publications. [In Persian]
- Nasiri Jami, Hasan. 2014. *Maktab-i Harat va Shi'r-i Farsi* (The School of Harat and Persian Poetry). Tehran: Mawla Publication. [In Persian]
- Nizami Bakharzi, 'Abd al-Wasi'. 2004. *Maqamat-i Jami* (Jami's Stances). Edited by Najib Mayil Hirawi. Tehran: Ney Publications. [In Persian]
- Naqshbandi Mujaddidi, Ghawth Muhammad. 2007. *Tariqat al-Rashidin wa Hujjat al-Mustarshidin* (The Way of the Guided and the Proof of the Learners). Translated by 'Abd Allah Naqshbandi Mujaddidi. Torbat-e Jam: Khwajih 'Abd Allah Ansari Publications. [In Persian]
- Ya'qubniya, 'Abd al-Rahim. Personal Interview with Ahmad Nakhli Ahmadi, the son of Khalifah Nakhli Ahmadi. March 27, 2016 in Torbat-e Jam.
- Ya'qubniya, 'Abd al-Rahim. Personal Interview with Fazl Ahmad Majidi, the son of Khalifah Majidi. April 13, 2016 in Taybad.
- Ya'qubniya, 'Abd al-Rahim. Personal Report of the *Dhikr* Assembly in Nur Mosque in Mount Bizd. March 24, 2016 in Torbat-e Jam.
- Ya'qubniya, 'Abd al-Rahim. Personal Report of Naqshbandi Circle of *Dhikr* in Masjid Bayt al-Rahman on December 16, 2015, April 23, 2014, June 25, 2014 in Taybad.
- Ya'qubniya, 'Abd al-Rahim. Personal Report of Dar al-Ifta' wa-Irshad Khanqah of the Chishti Order on January 24, 2016 in Taybad.
- Ya'qubniya, 'Abd al-Rahim. Personal Interview with Mawlawi Shirinkam on August 11, 2017, March 24, 2016, January 24, 2016 in Mashhad Rizeh Taybad.
- Ya'qubniya, 'Abd al-Rahim. Personal Interview with Shaybani, the head performer of Naqshbandi *Dhikr* in Mount Bizd on March 10, 2016.